

## اشاره

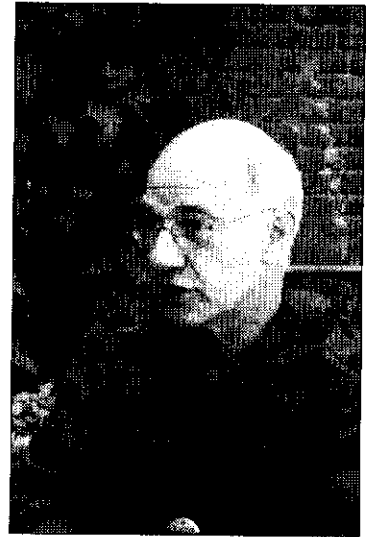
پروفسور مایکل بوروی، جامعه‌شناس شهیر انگلیسی‌الاضل مقیم آمریکا، در اواخر خرداد سال جاری به دعوت انجمن جامعه‌شناسی ایران به مدت دو هفته به ایران سفر کرد.

مایکل بوروی متولد منچستر انگلستان و در حال حاضر استاد جامعه‌شناسی دانشگاه برکنی آمریکا و معاون انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی است. وی همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۶ و ۲۰۰۲-۲۰۰۰ رییس دپارتمان جامعه‌شناسی آن دانشگاه بوده است. بوروی که از جامعه‌شناسان سرشناس آمریکا به شمار می‌رود، در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ ریاست انجمن جامعه‌شناسی آمریکا را بر عهده داشته است. وی همچنین عضو هیات تحریریه ۱۵ مجله معروف جامعه‌شناسی در آمریکا و نیز در سطح بین‌المللی است از جمله:

American Journal of Sociology, American Sociological Review, Theory and Society, Work, Employment and Society, African Sociology, Contemporary Sociology, Annual Review of Sociology, and Qualitative Sociology.

پروفسور بوروی از نظریه‌پردازان مطرح سنت جامعه‌شناسی چپ در آمریکا است و حوزه اصلی فعالیت‌های علمی‌اش جامعه‌شناسی صنعتی و نظریه جامعه‌شناسی است. وی از موضعی انتقادی به مطالعه روابط صنعتی و کار و تحولات آن در دهه‌های اخیر در آمریکا و سایر کشورها از جمله زامبیا، مجارستان و شوروی سابق پرداخته و ده‌ها مقاله و چندین کتاب منتشر کرده است. بوروی برای بازسازی سنت انتقادی در جامعه‌شناسی، در سال ۲۰۰۴ ایده جامعه‌شناسی مردم‌مدار را مطرح کرد و برای شرح و بسط آن چندین مقاله در مجلات معتبر جامعه‌شناسی منتشر نمود. یکی از این مقالات با ترجمه نازنین شاه‌کنی و با عنوان "درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار" در مجله جامعه‌شناسی ایران (شماره ۱، دوره هشتم، بهار ۱۳۸۶) منتشر شده است. وی همچنین به عنوان نایب رییس و مسئول انجمن‌های ملی جامعه‌شناسی در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، به شدت با هژمونی و استیلای جامعه‌شناسی کشورهای شمال، مقابله می‌کند؛ در این راستا قرار است انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در سال ۲۰۰۹ کنفرانسی با عنوان "چالش‌های جامعه‌شناسی در جهان نابرابر" برگزار کند که بحث اصلی آن، بررسی تجربه جامعه‌شناسی‌های ملی در کشورهای جنوب و توجه به ظرفیت‌های آن خواهد بود.

بوروی در مدت اقامت خود در ایران با اعضای هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران جلساتی برگزار کرد. همچنین وی چهار سخنرانی در تهران و سه سخنرانی در دفتر استانی انجمن در دانشگاه‌های شیراز، اصفهان و بابل برگزار کرد. آنچه در ادامه می‌آید چکیده سخنرانی پروفسور بوروی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و در جمع استادان و دانشجویان جامعه‌شناسی کشورمان است که در روزهای پایانی مسافرت وی به ایران انجام شده است.



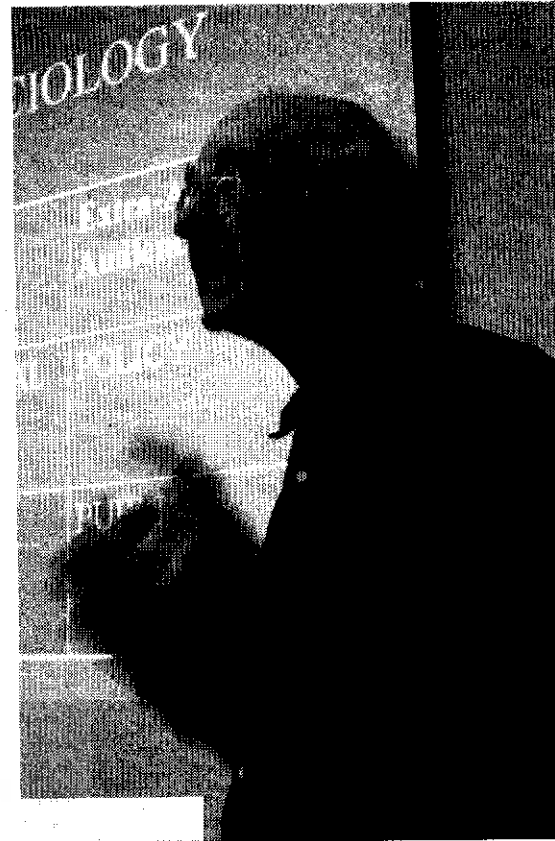
**کدام جامعه‌شناسی؟  
کدام جامعه‌شناس؟  
گزارش سخنرانی  
پروفسور مایکل بوروی در دانشکده  
علوم اجتماعی دانشگاه تهران**  
ساناز صفایی

بوروی سخنان خود را این‌گونه آغاز کرد: "از این که در دانشگاه تهران هستم، بسیار خوشحالم و از انجمن جامعه‌شناسی ایران به خاطر برنامه‌هایی که برای من سازمان‌دهی کردند تشکر می‌کنم. نکته جالب این است که روز ورودم به ایران، روز شهادت دختر پیامبر، حضرت فاطمه (س) بود و امروز که آخرین روز سخنرانی من است، روز تولد ایشان است. اکنون احساس می‌کنم در طول این دوازده روزی که در ایران بودم، احیا شده‌ام و یک زندگی تازه یافته‌ام و خوشحالم که سفرم با تولد خاتمه می‌یابد. من به شیراز، اصفهان و بابل سفر رفتم، سفرهایی که تجربه‌های بسیار خوبی بودند؛ به هر حال من دیگر آن کسی که دوازده روز پیش بودم، نیستم."

وی ادامه داد: "در این سفرها متوجه شدم چیزی به نام یک ایران وجود ندارد. من ایران‌های بسیاری دیدم و هر کجا که رفتم، با افراد و فرهنگ‌های متفاوتی مواجه شدم. جامعه‌شناسان متفاوتی را نیز در جاهای مختلف ایران، فعال دیدم و این برای من تجربه آموزشی بسیار خوبی بود. امیدوارم جامعه‌شناسان دیگری هم پس از من به ایران سفر کنند و بسیاری از شما هم به نقاط دیگر دنیا سفر کنید. به هر حال دنیای ما بسیار بیش از آنچه به جامعه‌شناسی می‌پردازد، به جامعه‌شناس مردم‌مدار احتیاج دارد. هر چند ممکن است ترویج جامعه‌شناسی مردم‌مدار در کشورهای مختلف، کار بسیار سختی باشد."

نایب رییس انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در ادامه گفت: "در زمانی که پیش رو داریم، با شما درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار سخن می‌گوییم و این که اصلاً چطور شد که به مفهوم جامعه‌شناسی مردم‌مدار رسیدم، چه درکی از آن دارم و البته در مورد انواع آن با هم صحبت می‌کنیم، همین طور درباره این که در کشورهای متفاوت چه اشکالی به خودش می‌گیرد."

بوروی در ادامه گفت: "در مورد توجه به جامعه‌شناسی مردم‌مدار، الهام‌بخش من مشکلاتی بود که جامعه‌شناسی آمریکا به آن‌ها مبتلاست یعنی بیش از حد حرفه‌ای و تخصصی بودن. ما در آمریکا بیش از پنجاه هزار جامعه‌شناس داریم که بسیاری از آن‌ها در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌کنند اما مشکل این است که آنان فقط با همدیگر حرف می‌زنند. مقالات و مطالب بسیاری در ژورنال‌ها و فصلنامه‌های



مختلف چاپ می‌کنند، ولی مثلاً فقط سه نفر خواننده مقالاتشان هستند. برای همین هم جامعه‌شناسی آمریکا تبدیل به یک جامعه بسته و منفک از اجتماع پیرامون خود شده است. جامعه‌شناسان حرفه‌ای در آمریکا فقط به خودشان ارجاع می‌دهند و بیش از حد حرفه‌ای و تخصصی شده‌اند. در صورتی که در کشوری مثل ایران، مشکلی که به نظر من با آن مواجهیم، آن است که بتوان از یک انجمن علمی و تخصصی حرفه‌ای دفاع کرد؛ در واقع در این جا شکل‌گیری این حرفه با مشکل مواجه است. به همین دلیل، ایده من و بسیاری از همکارانم آن است که جامعه‌شناس حرفه‌ای باید از مرزهای دانشگاه بیرون برود، جامعه‌شناسان باید جامعه‌شناسی را به بیرون از دانشگاه ببرند و با گروه‌های مردمی خارج از دانشگاه وارد ارتباط شوند. این چیزی است که من آن را جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌نامم.

وی این‌گونه ادامه داد: «بنابراین اولین چیزی که در رسیدن به مفهوم جامعه‌شناسی مردم‌مدار ال‌هام‌بخش من شد، نقدی بود که به جامعه‌شناسی

و یا می‌خواهیم با گروه‌های خارج از دانشگاه هم وارد بحث و تبادل نظر شویم؟ پرسش دوم این است دانش برای چه چیز و با چه هدفی؟ جامعه‌شناسان گوناگونی از جمله وبر، هابرماس، اعضای مکتب فرانکفورت و یا حتی شریعتی شما سعی کرده‌اند برای این پرسش پاسخی بیابند. در حقیقت پرسشی که باید پاسخ دهیم، آن است که آیا می‌خواهیم از دانش به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدفی خاص استفاده کنیم یا این که دانش، بحث و گفت‌وگو درباره خود آن اهداف است. چیزی که من آن را دانش ابزاری می‌نامم، در واقع دانشی است که از طریق آن، بهترین وسیله را برای رسیدن به هدف معینی که داریم، پیدا می‌کنیم. موضوع دانش یا معرفتی که آن را تفسیری یا بازتابی می‌خوانم، آن است که جامعه باید به چه سمتی برود، یعنی بحث بر سر ارزش‌ها و اهداف، ارزش‌هایی مثل برابری، عدالت، آزادی و...»

مایکل بوروی در ادامه سخنانش افزود: «ما در آمریکا به جدول‌هایی که چهار خانه دارند، علاقه زیادی داریم، چرا که از مهم‌ترین صادرات

**بوروی برای بازسازی سنت انتقادی در جامعه‌شناسی، در سال ۲۰۰۴ ایده مردم‌مدار را مطرح کرد و برای شرح و بسط آن چندین مقاله در مجلات معتبر جامعه‌شناسی منتشر نمود**

حرفه‌ای آمریکا داشتیم. عامل دوم توجه من به این مفهوم، از تجربه شخصی خودم سرچشمه می‌گرفت. در سال ۱۹۹۱، برای تحقیق به آفریقای جنوبی رفتم و در آن جا شکل متفاوتی از جامعه‌شناسی را دیدم. در آن زمان رژیم آپارتاید، تازه از آفریقای جنوبی برچیده شده بود. متوجه شدم جامعه‌شناسان در طول آن سال‌ها با جنبش‌های مختلف اجتماعی، مثل جنبش کارگری و یا سازمان‌های گوناگون موجود در جامعه مدنی درگیر شده بودند و در واقع سعی داشته‌اند جامعه‌شناسی جدیدی بسازند که از دل این ارتباطات بیرون می‌آمد.

بنابراین دو قطبی که در واقع بنیان اصلی طرحی است که من امروز به شما ارائه می‌دهم، یکی تجربه مثبتی بود که در آفریقای جنوبی داشتم و قطب دیگر تجربه منفی است که در آمریکا وجود دارد. به نظر من دو پرسش اساسی وجود دارد که جامعه‌شناسان باید به آن‌ها پاسخ دهند البته اغلب تمایلی به پاسخگویی ندارند.

پرسش اول این است که جامعه‌شناسی برای چه کسی؟ آیا ما فقط با خودمان حرف می‌زنیم

جامعه‌شناسی آمریکا به جهان هستند. جامعه‌شناسانی مثل پارسونز، مرسون و حتی هابرماس از این جدول‌های چهارتابی بسیار استفاده کرده‌اند. من هم در این جا به چهارخانه جدولی که مد نظر من است و انواع گوناگون جامعه‌شناسی را در بر می‌گیرد، اشاره می‌کنم. خانه اول را جامعه‌شناس حرفه‌ای پر می‌کند که متشکل از جامعه‌شناسان حرفه‌ای و دانشگاهیانی است که در آن درگیر بحث و گفت‌وگو با یکدیگر هستند، تحقیقات مختلفی انجام می‌دهند و آن‌ها را منتشر می‌کنند. این تحقیقات معمولاً توسط همکاران دیگرشان ارزیابی می‌شود. جامعه‌شناسان حرفه‌ای بیشتر درگیر حل مسائل یا معماهایی هستند که برنامه‌هایی پژوهشی برایشان فراهم می‌کند. ما جامعه‌شناسی‌های متفاوتی داریم، مانند جامعه‌شناسی سیاسی، جنسیت، خانواده، صنعتی و... که در واقع برنامه‌هایی پژوهشی هستند. کاری که جامعه‌شناسان در این حوزه انجام می‌دهند آن است که نظریه‌های موجود را با واقعیت تطبیق می‌دهند، می‌سنجند، ارزیابی و بازسازی می‌کنند.

جامعه‌شناسی حرفه‌ای بر یک سری فرضیاتی مبتنی است و بسیاری از آن‌ها را بدیهی فرض می‌کنیم و هیچ وقت آن‌ها را زیر سوال نمی‌بریم، مانند بازی شطرنج که بازیکنان قواعد بازی را می‌پذیرند و وجودشان را بدیهی فرض می‌کنند و در طول بازی آن‌ها را زیر سوال نمی‌برند.

بوروی در مورد نوع دوم جامعه‌شناسی مد نظرش گفت: "نوع دوم جامعه‌شناسی مورد نظرم، جامعه‌شناسی سیاست‌گذار است. این جامعه‌شناسی هم مبتنی بر تحقیق است، اما نتایج تحقیق را برای حل مشکلاتی که معمولاً مشتری یا سفارش دهنده طرح تحقیقاتی تعیین کرده است، به کار می‌بندد. سفارش دهندگان این طرح‌های تحقیقاتی می‌توانند NGOها، دولت یا جنبش‌های اجتماعی باشند. در حقیقت آن‌ها طرح مشکل می‌کنند و جامعه‌شناسان موظفند مشکلات را حل کنند. این روزها جامعه‌شناسی سیاست‌گذار برای جامعه‌شناسان مهم است زیرا جامعه‌شناسان اغلب تنگدست هستند و مجبورند مشاغل مختلفی داشته باشند یا برای انجام طرح‌های تحقیقاتی با سازمان‌ها و گروه‌های مختلف قرارداد ببندند."

بوروی در ادامه صحبت‌های خود وارد بحث جامعه‌شناسی مردم‌مدار شد و گفت: "خانه سوم جنول را جامعه‌شناسی مردم‌مدار پر می‌کند که با جامعه‌شناسی سیاست‌گذار متفاوت است. جامعه‌شناسی مردم‌مدار با گروه‌های مختلف مردمی وارد بحث و گفت‌وگو می‌شود؛ این گفت‌وگو یک بحث دو طرفه است. در این گونه جامعه‌شناسی، مشتری یا سفارش دهنده‌ای وجود ندارد که از ما بخواهد مشکلتش را حل کنیم، بلکه ما طی گفت‌وگو و ارتباطی که با گروه‌های مردمی داریم، به مساله و راه حل آن دست پیدا می‌کنیم."

بوروی ضمن تشریح این که جامعه‌شناسان مردم‌مدار به دو دسته تقسیم می‌شوند، افزود: "نوع اول جامعه‌شناس مردم‌مدار، جامعه‌شناس مردم‌مدار سنتی است، مثل جامعه‌شناسی که مقاله‌ای در روزنامه منتشر می‌کند یا به نوعی در عرصه عمومی مشارکت دارد یا کتابی می‌نویسد که پر خواننده است و به بحث در عرصه عمومی دامن می‌زند."

نکته مهم آن است که جامعه‌شناس با روزنامه‌نگار متفاوت است. جامعه‌شناس، دانش جامعه‌شناسی خود را به رسانه‌های عمومی وارد می‌کند.

نوع دوم جامعه‌شناس مردم‌مدار، جامعه‌شناس مردم‌مدار ارگانیک است که با گروه‌های مردمی ارتباطی بلافصل دارد. فرقی جامعه‌شناس مردم‌مدار ارگانیک با جامعه‌شناس مردم‌مدار سنتی آن است که در نوع سنتی، ارتباط مردم با جامعه‌شناس از طریق مطالعه مقاله برقرار می‌شود و ارتباط متقابلی بین نویسنده و خواننده مطلب وجود ندارد، در صورتی که جامعه‌شناس مردم‌مدار ارگانیک با گروه‌های مردمی، ارتباط دائمی دارد. نکته دیگر آن است که جامعه‌شناسان مردم‌مدار ارگانیک اغلب چندان معروف نیستند، زیرا در گروه‌های مردمی کوچک فعالیت می‌کنند. اما بر عکس آن‌ها، جامعه‌شناسان مردم‌مدار سنتی اکثراً مشهور هستند. لازمه وجود جامعه‌شناسی مردم‌مدار وجود عرصه عمومی است که در آن بحث‌های عمومی در گیرد، اما در بسیاری کشورها اصلاً عرصه عمومی وجود ندارد.

بخش مهم‌تر جامعه‌شناس مردم‌مدار، همان دانش جامعه‌شناسی است که جامعه‌شناس با خود برای مردم می‌آورد. در حقیقت او مساله فردی یک شخص را به یک مساله عمومی تبدیل می‌کند و آن را به بحث عمومی می‌گذارد."

بوروی در ادامه به بررسی جامعه‌شناس انتقادی که خانه چهارم جنول را پر می‌کند، پرداخت. او گفت: "به نظر من جامعه‌شناسی انتقادی، اساس جامعه‌شناسی و بسیاری از رشته‌های دیگر را شکل می‌دهد. جامعه‌شناس انتقادی عمر خود را صرف نقد جامعه‌شناسی حرفه‌ای می‌کند و مفروضات آن را زیر سوال می‌برد. چون همان‌طور که گفته‌ام هر علمی بر اساس بنیان‌هایی بنا شده که بدیهی و پذیرفته شده‌اند. این مساله در جامعه‌شناسی حرفه‌ای هم صلیق می‌کند، جامعه‌شناس انتقادی می‌کوشد این بنیان‌ها را زیر سوال برد. جامعه‌شناس انتقادی همچنین بحث‌ها و ارزش‌هایی را به جامعه‌شناسی مردم‌مدار تزریق می‌کند."

بوروی ادامه داد "یک جامعه‌شناس ممکن است به یکی از خانه‌های این جنول تعلق داشته باشد یا این که در طول عمرش از این خانه به آن خانه برود. اما جامعه‌شناسی هنگامی شکوفا می‌شود که این چهار خانه با هم وابستگی متقابل داشته باشند، چرا که انواع گوناگون جامعه‌شناسی به یکدیگر نیاز دارند و رشد و رونق هر کدام از آن‌ها به دیگری کمک می‌کند. مشکل از جایی شروع می‌شود که یکی خود را از دیگران منفک و مستقل بداند."

البته مجموع این نظریات، یک تفکر اتوپایی است، آنچه در عالم واقع وجود دارد، انواع روابط سلطه است. یعنی یکی از انواع به دیگری یا برخی بر برخی دیگر سلطه پیدا می‌کنند."

مایکل بوروی در انتهای بحث خود به بررسی وضعیت جهانی جامعه‌شناسی پرداخت و گفت: "نتایج تحقیقات در اکثر کشورها نشان از سلطه و هژمونی جامعه‌شناسی آمریکا و اروپا بر جامعه‌شناسی‌های ملی و منطقه‌ای دارد و این خطرناک است چون ما نمی‌توانیم با جامعه‌شناسی آمریکا و اروپا پاسخگوی مشکلات محلی و بومی مناطق دیگر باشیم. نکته دوم مساله‌ای است که به لحاظ تجربی در حال رخ دادن است و آن این است که جامعه‌شناسی حرفه‌ای به سرعت در حال رشد و گسترش است. در اکثر دانشگاه‌ها، دانشگاهیان باید طبق استانداردهای آمریکایی عمل کنند و اعتبارشان به این بستگی دارد که مقالاتشان در مجلات آمریکایی منتشر شود که به نظر من راه حل خوبی برای حل مشکلات منطقه‌ای نیست. نکته سوم این است که جامعه‌شناسی سیاست‌گذار هم در اکثر نقاط دنیا در حال قدرت گرفتن است و هر روز پررنگ‌تر می‌شود، چون اکثر دولت‌ها می‌خواهند جامعه‌شناسان مشکلاتشان را حل کنند و این استقلال جامعه‌شناسی را به خطر می‌اندازد و نکته چهارم در واقع یک سوال است: آیا جنبشی در جهت مخالف این وضع وجود دارد یا نه؟ بله، در واقع جامعه‌شناسی مردم‌مدار محلی و بومی موجود در جهت مخالف جریان کلی حاکم بر جامعه‌شناسی حرکت می‌کند، مانند جامعه‌شناسانی که در حوزه‌های فمینیستی فعال هستند."

و جملات پایانی در واقع آرزوهای بوروی برای رشد و بالندگی جامعه‌شناسی مردم‌مدار بودند.

پانوش‌ها

1. Michael Burawoy
2. Full Professor
3. International Sociological Association
4. Public Sociology
5. Challenges for Sociology in an Unequal world